

منظر شهری، روایت جامع شهر

سید امیر منصوری

تنها چند سال است که واژه «منظر شهری» در ادبیات ایران به کار برده می‌شود. اگرچه با ترجمه کتاب «سیمای شهر» اثر «لینچ» در سال ۱۳۵۰، فارسی‌زبانان با جلوه ناشناخته‌ای از محیط آشنا شده بودند، ولی تلقی کالبدی از شهر که محصول شهرسازان دورافتاده از معنای شهر بود، (و به همین دلیل خود را به غلط شهرساز خوانده بودند، گویی شهر را مانند ساختمان می‌توان ساخت) مانع آن شده بود تا برای شهر حیثیت دیگری جز کالبد به رسمیت شناخته شود.

نخستین تلقی از منظر شهری نزد مدیران و حرفه‌مندان، ساماندهی نمای ساختمان‌ها و یکسانی سبک معماری آن‌ها بود. در اظهار نظرهای مسئولان شهری ضمن گلایه از آشفتگی و هرج و مرج شکل و همجواری ساختمان‌ها، آرزوی نظم آن‌ها نهفته بود. بیشترین بحث‌ها در مورد منظر شهری را شورای اسلامی شهر تهران در کارنامه خود دارد. الزام شهرداری و سازمان زیباسازی به تهیه طرح جامع منظر شهری تهران در چند ماه و مانع‌تراشی در راه استفاده از شیوه در نمای ساختمان‌ها از جمله اقدامات شورا برای ارتقای کیفی منظر شهری تهران بود. طرح جامع تهران (۸۶) نیز تهیه سند راهبردی سیمای شهری تهران را در میان اسناد پایین‌دستی خود تعریف کرد. این‌ها نشانه‌های ارزشمندی از طرح مسئله‌ای مهم در محیط زیست انسان است؛ اگر در نطفه دچار انحراف نگردد.

منظر شهری به عنوان نگاه نو به شهر دارای ظرفیت‌هایی است، که اگر به درستی تعریف نگردد، قابلیت آن را دارد تا به ضد خود بدل شود. تأکید بر نظم حداکثری در ساخت شهر مانع بروز ذهنیت‌ها و خواسته‌های ساکنان می‌شود؛ اگر چه ممکن است نتیجه آن به عنوان یک تصویر مورد تمجید مدیران متمایل به اقتدارگرایی قرار گیرد. بارها از زبان مسئولان شنیده شده است که منظر شهر و نمای ساختمان‌ها در حوزه حقوق عمومی است و حق دولت و شهرداری است که برای آن تصمیم بگیرند؛ زیرا سیمای خیابان از آن‌ها ساخته می‌شود. این منطق مبتنی بر تعریف نادرست از منظر شهری است که آن را کالبد تلقی می‌کند و برای مدیران شهری دخالت حداکثری در آن را وظیفه می‌شمارد.

این رویکرد در میان برخی متخصصان حوزه‌های شهری، که با ادبیات منظر به صورت تجربی و نه علمی، آشنا شده‌اند نیز حضور دارد. نخستین بیانیه همایش سیمای منظر شهری در سال ۱۳۸۳، که توسط جمعی از شهرسازان و وزارت مسکن تنظیم گردید، منظر را عینیتی مستقل از انسان تعریف کرد^(۱)؛ این تلقی از منظر جز تصویری بی‌معنا و خودرو، که زیبایی آن همچون یک شیء در دستان «شهرساز» است، نتیجه‌ای ندارد. این رویکرد یادآور اقتدارگرایی معماران اعصار گذشته است که معماری را محصول معمار و نه استفاده‌کنندگان از آن می‌دانستند. تلاش برای تنظیم «دستورالعمل» ساماندهی منظر شهری، از سوی کسانی که تعریف ناقصی از آن دارند، نتیجه طبیعی رویکرد کالبدی آنان است.

منظر شهری صورت خاصی از شهر نیست که به مجرد دستیابی به صفات ظاهری واجد کیفیت گردد؛ بلکه مفهومی از شهر است که توسط شهروندان و بر اساس تجربه‌ی آن‌ها از مکان پدید می‌آید. در این تعریف منظر شهری صورت شهر نیست و قهرا نگاه کالبدی به آن راهگشا نمی‌تواند باشد؛ دستورالعملی هم وجود ندارد که بتواند در همه جا اجرا شود. بلکه پدیده‌ی سیالی است که با شناخت تجربه‌ی ساکنان از فضاها، شهر و نمادهای آن (منظر)، شکل می‌گیرد. در این تعریف برای ساماندهی و مراقبت از منظر شهر باید شهر را از دریچه چشم ساکنان دید نه طراحان؛ منظر شهر عینیت صرف نیست بلکه ذهن ادراک‌کنندگان شهر نیز در تشکیل آن نقش دارد.^(۲)

تعریف منظر شهر به مثابه پدیده‌ی عینی-ذهنی در رویکرد مداخله‌کنندگان و تصمیم‌گیران تأثیر اساسی دارد و مانع سطحی‌نگری و انحراف از موضوع می‌شود. مشابه این اتفاق چهار دهه قبل در مورد ترجمه واژه شهرسازی به جای «اوربانیسم» رخ داد و تلقی نادرست که شهر را می‌توان ساخت، باعث پدید آمدن صنف «شهرسازان» به عنوان تنها متولیان شهر شد و تدریجاً سایر تخصص‌هایی که در پدیدآمدن (نه ساختن) شهر نقش داشتند از صحنه بیرون شدند و بر سر شهرهای ما آن آمد که امروز شاهدیم. اهمیت رویکرد علمی و مستند به مقوله منظر شهری در شرایط جامعه ایران که این مسئله در دوره طفولیت خود به سر می‌برد، بیشتر جلوه می‌کند. برای باز کردن دریچه‌های جدید به چستی معماری منظر و کارکردهای آن، پرونده این شماره، «منظر شهری» را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است.

پی‌نوشت

۱. مشروح بیانیه و نقد آن را در مجله «باغ نظر»، ۱۳۸۳، شماره ۲ بخوانید.
۲. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به مقاله نگارنده: «درآمدی بر شناخت معماری منظر»، مجله باغ نظر، ۱۳۸۳، شماره ۲.